

عنوان مقاله:

تحلیل بعد انسان شناختی رئالیسم انتقادی از ساحت اجتماعی دین و نقد آن

محل انتشار:

مجله انسان پژوهی دینی، دوره 16، شماره 41 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

منیره بصیرتی - دانشجوی دکتری سیاست گذاری فرهنگی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)

حمید پارسانیا - دانشیار گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

دین واقعیتی اجتماعی است و معمولاً برای تبیین واقعیت های اجتماعی، طیفی از نظریات فردگرایانه-جمع گرایانه استفاده می شود. از جمله این نظریات، نظریات متعلق به نحله رئالیسم انتقادی است که کنش های انسانی را بررسی و تبیین می کند. در این مقاله سه دلیل بر علیت دلایل رفتار یا کنش انسانی اقامه شده است. پارادایم رئالیسم انتقادی، انسان را دارای ماهیت اجتماعی می داند. واقع گرایان انتقادی، یکی از ارکان قضاوت روشی را که بر اساس پیش فرض های توافقی افراد است، کفایت عملی می دانند. برای جمع آوری اطلاعات، قائل به ترکیب روش کیفی و کمی هستند و هیچ یک را به تنهایی کافی نمی دانند. جایگاه خدا در انسان شناسی دیالکتیک روی بسکار چنین است که ساختار مبنایی انسان و جهان، خدا است و وظیفه اصلی انسان، دست یابی به این واقعیت متعالی یا مطلق و فهم آن است. از نظر او، خدا ریشه وجودی یا غایت وجود و امکان ها است.

کلمات کلیدی:

علیت دلایل، تبیین کنش، انسان شناسی رئالیسم انتقادی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2038191>

